

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

تفسیر پاراشای هفته: متزورا ۵۷۷۹

قدرت کلام

ربای لرد جانانان ساکس

The Power of Speech

(Metzora 5779)

چنان که در پاراشای تزریا دیدیم، حکیمان تلمودی، بیماری تنزرت یا برص را که پوست انسان، پارچه لباس و دیوارهای خانه را مبتلا می سازد، نه یک بیماری، بلکه یک مجازات دانسته اند؛ مجازاتی که نه برای هر گناهی، بلکه برای گناهی خاصی یعنی لاشون هاراع یا زبان شر نازل می شود.

این نکته پرسشی حتمی به دنبال دارد: چرا زبان شر و نه هر گناه دیگری چون خشونت جسمانی؟ یک ضرب المثل قدیمی انگلیسی می گوید: "چوب و سنگ ممکن است استخوان مرا بشکنند، ولی کلمات هرگز مرا مجروح نخواهند کرد." یعنی: شنیدن سخنان ناروا در مورد خود خوشایند نیست، ولی به همین جا ختم می شود.

در تورات هیچ دستور مستقیم ممنوعیتی برای زبان شر وجود ندارد. اما شایعه پراکنی منع شده است: "مانند یک شایعه ساز میان مردم خود دوره نگرد" (لاویان ۱۶:۱۹). لاشون هاراع یک زیرمجموعه از این دستور فراگیر است. موسی بن مایمون آنرا این گونه تعریف می کند: "یک گناه بسیار بزرگتر هست که زیر این منع [شایعه پراکنی] قرار می گیرد و آن، زبان شر است، یعنی کسی که سخنی آمیخته با افترا و تهمت در مورد ممنوع خود بگوید، حتی اگر حقیقت داشته باشد."¹

حکیمان تلمودی در تاکید بر روی جدی بودن این منع به تفصیل نوشته اند. آنها می گویند که این گناه به اندازه مجموع سه گناه کبیره بت پرستی، خون ریختن و روابط نامشروع اهمیت دارد.² حکیمان می گویند هر کس به زبان شر سخن بگوید، مانند آن است که منکر خداوند شده باشد.³ آنها همچنین می گویند: ممنوع است زندگی در نزدیکی کسانی که زبان شر دارند، چه رسد که نزد آنها نشسته، به سخنانشان گوش دهیم.⁴ چرا یهودیت، کلمات را به خودی خود این اندازه جدی می گیرد؟

پاسخ این پرسش به یکی از زیربنایی ترین اصول ایمان یهودی برمی گردد. فرهنگ های باستانی، خدای وارگان را می پرستیدند چون آنها را قدرت های دنیا می دانستند: برق آسمان، غرش رعد، باران و خورشید، دریا و اقیانوس همچون نماینده آشوب، و گاه جانوارن وحش که نماینده خطر و وحشت بودند. یهودیت، دینی نبود که قدرت را پرستش کند، حتی با آنکه خداوند یکتا قدرتمندتر از هر خدای واره آیین های بت پرستی است.

یهودیت مانند دیگر ادیان، دارای مکان ها، افراد، زمان های مقدس و آیین های تقدس است. ولی آنچه یهودیت را متفاوت ساخته این است که در درجه نخست، "دین واژگان مقدس" است. خداوند با واژه ها جهان را آفرید: "و خداوند گفت باشد... و شد." او از راه کلمات با

¹ Maimonides, *Mishneh Torah, Hilkhoh Deot* 7:2.

² Arakhin 15b.

³ Ibid.

⁴ Arachin 15a.

انسان ارتباط گرفت. در یهودیت، خودِ زبان، تقدس دارد. از این رو است که لاشون هاراع یا زبانِ شر و آسیب رسان تنها یک خطای کوچک نیست. این کار به معنای استفاده از چیزی مقدس برای رسیدن به مقاصد نامقدس است. زبانِ شر گونه ای آلوده کردن امر مقدس است. نخستین موهبت خداوند به نخستین انسان، قدرتِ استفاده از کلمات برای نامگذاریِ جانوران بود، همچنین کاربرد زبان برای طبقه بندی. این آغاز روندِ عقلانیت بود که نشانِ بارز نوع انسانِ اندیشه ورز یا هموساپینس است. در متنِ ترگوم هنگام برگردان "و انسان، موجودی زنده شد" (پیدایش ۲:۷) به جای "موجودی زنده"، "روح ناطق" ترجمه می شود. امروزه زیست شناسان تکاملی بر آن هستند که نیازهای زبان و برتری هایی که زبان به انسان در قیاس با هر نوع دیگری از حیات داد منجر به تکامل گسترده مغز نوع بشر شد.⁵

خداوند با دیدن نقشه شتابان مردم بابل برای ساختن برجی که به آسمان برسد، فقط "زبان آنها را پریشان ساخت" تا قادر به ارتباط گیری با یکدیگر نباشند. زبان، عامل زیربنایی موجودیتِ گروه های انسانی است. برآمدِ ملی گرایی در قرن نوزدهم بود که منجر به زوال تدریجی لهجه ها به سودِ رشدِ زبانی واحد در هر قلمروی دارای اقتدار و سروریِ سیاسی شد. تا به امروز همه جا در میان یک ملت واحد، تفاوت های زبانی، منشاء تنش سیاسی و اجتماعی بوده اند، برای نمونه میان فرانسه زبان ها و انگلیسی زبان ها در کانادا؛ تکلم کنندگان به زبان های دوچ (آلمانی - هلندی)، آلمانی، فرانسه، و والون در بلژیک؛ و زبان های اسپانیایی و باسکی در اسپانیا. *خداوند دنیای طبیعت را با واژه ها خلق کرد. ما دنیای اجتماع را با واژه ها خلق و گاهی ویران می کنیم.*

بنابراین، نخستین اصلِ زبان در یهودیت این است که زبان، آفریننده است. ما دنیاها را با واژه ها خلق می کنیم. اهمیت اصل دوم کمتر از اولی نیست. یکتاپرستی ابراهیم این ایده را به دنیا

⁵ See Steven Pinker, *The Language Instinct* (New York: William Morrow, 1994); Robin Dunbar, *Grooming, Gossip and the Evolution of Language* (Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 1996); Guy Deutscher, *Through the Looking Glass: Why the World Looks Different in Other Languages* (New York: Metropolitan/Henry Holt, 2010).

داد که خداوند به کائنات تعالی می بخشد و از این رو نمی توان او را با هیچ پدیده ای درون جهان همسان دانست. خداوند نادیدنی است و به این دلیل در یهودیت، تصاویر و شمایل دینی گونه ای بت پرستی به شمار می روند.

پس چگونه یک خدای نادیدنی می تواند خود را آشکار سازد؟ وحی و آشکارگی برای آیین های چندخدایی یک مسئله نبود. بت پرستان، خدایان را در گستره طبیعت پیرامون ما دیدند و به انسان ها احساس کوچک بودن در برابر گستردگی و قهر آن دادند. خدایی که نتوان او را دید یا حتی توسط نقش ها بازنمایی کرد، حساسیت های دینی یکسره متفاوتی را طلب می کند. چنین خدایی را کجا می توان یافت؟ پاسخ، باز هم چنین است: در واژه ها. او با آدم، نوح، ابراهیم و موسی سخن گفت. در وحی کوه سینا همان گونه که موسی به بنی اسرائیل یادآور شد، "خداوند با تو از میان آتش سخن گفت. تو صدای واژه ها را شنیدی، ولی هیچ نقشی ندیدی؛ تنها یک صدا بود" (تثنیه ۴:۱۲). در یهودیت، واژه ها حامل وحی هستند. پیامبر مرد یا زنی است که کلام خدا را می شنود و بیان می کند. این پدیده ای است که نه اسپینوزا و نه آئیشتاین قادر به فهم آن نبودند. آنها می توانستند ایده خدایی را بپذیرند که آسمان و زمین را آفرید، نیروی آفریننده نیروها، علت العلل، آغازگر آنچه امروزه مهبانگ (بیگ بنگ) می نامیم، خدای معمار دنیای ماده و آفریننده نظم عالم. این گفته مشهور آئیشتاین است که "خدا برای اداره دنیا تاس نمی ریزد". در واقع، این یعنی در نهایت، جهان را محصول یک عقل آفریننده بدانیم که ذهنیت علمی را در دنیا تجسم بخشیده است.

یهودیت این بُعد از خداوند را الوهیم می نامد. اما ما به بُعد دیگری از خدا نیز باور داریم که آنرا هشیم (اسم اعظم) می نامیم و خدای مناسب است و مناسب نیز به برکت سخن برقرار می شود. زیرا این سخن است که به ما امکان ارتباط گیری با دیگران و سهیم ساختن آنها در ترس ها، امیدها، عشق ها، طرح ها، احساس ها و قصدهای ما را می دهد. سخن گفتن به ما امکان انتقال مکنونات قلبی خود به دیگران را فراهم می سازد. سخن گفتن، حلقه مرکزی

پیوند انسانی است. خدایی که قادر به خلق جهان باشد ولی نتواند سخن بگوید یا بشنود، خدایی نامتشخص است - خدایی ناتوان از درک آنچه از ما انسان ساخت. پرستش چنین خدایی مانند سجده کردن به خورشید یا به یک کامپیوتر عظیم است که ما باید به آن توجه کنیم ولی به ما توجهی ندارد. این خدای ابراهیم نیست.

واژه ها از جنبه ای دیگر هم اهمیت فراوان دارند. ما از زبان برای کاربردهایی فراتر از توصیف یا بیان نیز استفاده می کنیم. ما می توانیم از زبان برای خلق داده های اخلاقی جدید استفاده کنیم. فیلسوف آکسفورد، جی ال آستین، این استفاده خاص از زبان را "بیان اجرایی" می نامد.⁶ نمونه ابتدایی آن، دادن یک قول است. وقتی قولی می دهم، اجباری خلق می کنم که پیشتر وجود نداشت. نیچه بر آن بود که توانایی قول دادن، ابتدای زایش اخلاق و مسئولیت انسانی بود.⁷ ایده مرکزی یهودیت نیز بریت یا عهد است که چیزی نیست جز قول دادن متقابل میان خدا و انسان ها. آنچه رابطه خاص میان یهودیان و خدا را تعریف می کند، این نیست که او آنها را از بردگی مصر به آزادی رساند. عاموس نبی می گوید که خدا این کار را برای ملت های دیگر هم انجام داد: "آیا من بنی اسرائیل را از مصر نجات ندادم و فلسطینیان را از کفتور و آرامی ها را از کر؟" (عاموس ۹:۷). آنچه رابطه خاص میان یهودیان و خدا را تعریف می کند این است که در کوه سینا خدا و بنی اسرائیل با هم عهدی متقابل بستند که آنها را در مناسبتی مداوم قرارداد.

عهد، کلامی است که آسمان و زمین را به هم پیوند می دهد، کلامی بیان شده، کلامی شنیده شده، کلام تایید و تصویب شده با اعتماد. به برکت عهد، یهودیان در تبعید به حیات خود ادامه دادند. آنها خانه، سرزمین، قدرت و آزادی خود را از دست دادند، اما همچنان کلام خدا

⁶ J. L. Austin, *How to Do Things with Words* (Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 1962).

⁷ Friedrich Nietzsche, essay 2 in *On the Genealogy of Morality*, ed. Keith Ansell-Pearson, trans. Carol Diethe (Cambridge, UK: Cambridge University Press, 1994).

را داشتند؛ کلامی که خدا گفته بود آنرا هرگز نمی شکنند و منسوخ نمی کنند. تورات به عمیق ترین معنا، کلام است و یهودیت، دین کلمه های مقدس.

در نتیجه، کاربرد غلط یا سوء استفاده از زبان برای ایجاد سوء ظن و شایعه سازی چیزی جز ویرانگری نیست. آلودن تقدس است. مانند آن که امر مقدسی چون توانایی ارتباط گیری انسان ها و پیوستن روح آنها به یکدیگر را بگیرد و از آن برای پست ترین هدف ها، جهت جدا کردن روح انسان ها از یکدیگر و ویران ساختن اعتمادی استفاده کند که مناسبات خشونت پرهیز وابسته به آن هستند. از همین رو بنابه دیدگاه حکیمان تلمودی، فرد به کاربرنده زبان شر مبتلا به بیماری برص شده، می بایست مانند یک مطرود در خارج از اردوگاه زندگی کند. این مجازاتی است بر اساس مقابله به مثل:

مگر فرد مبتلا شده به تزارت [برص] چه خصلت خاصی دارد که تورات می گوید: "باید تنها به سر برد. باید خارج از اردوگاه زندگی کند" (لاویان ۱۳:۴۶)؟ خداوند متعال که متبارک باد نام او، گفت: زیرا این شخص می خواست میان مرد و همسرش، یا یک فرد با همسایه اش جدایی بیندازد [مجازاتش جدا شدن از جماعت است] از این رو او تنها باید زندگی کند، خارج از اردوگاه.⁸

زبان در یهودیت پایه آفرینش، وحی و زندگی اخلاقی است. هوایی است که ما در جایگاه موجوداتی اجتماعی تنفس می کنیم. این سخن امثال سلیمان (۱۸:۲۱) به همین معنا است: "مرگ و زندگی در اختیار زبان است." به همین ترتیب در مزامیر داوود می خوانیم: هر یک از شما که زندگی را دوست دارد و دلش می خواهد روزهای خوش بسیاری را ببیند، باید زبان خود را از سخن شر و لب های خود را از دروغ گویی بازدارد" (مزامیر داوود ۱۴-۱۳:۳۴).

یهودیت به عنوان پاسخی به چندین پرسش ظهور کرد: چگونه یک انسان فانی و محدود می تواند با خدای نامتناهی در ارتباط قرار بگیرد؟ چگونه می توانند با یکدیگر ارتباط بگیرند؟

⁸ Yalkut Shimoni I:552.

چگونه بدون کاربرد زور و قدرت، می توان همکاری، هموندی، عمل مشترک، خانواده ها، اجتماع ها و ملت داشت؟ چگونه می توانیم مناسبات همراه با اعتماد ایجاد کنیم؟ چگونه انسان را از تنهایی بیرون بیاوریم؟ چگونه آزادیِ همگانی برقرار کنیم به گونه ای که آزادی من به قیمتِ سلبِ آزادی تو تمام نشود؟

پاسخ چنین است: از راه کلماتی که ارتباط برقرار کنند، کلماتی که پیوند دهند، واژگانی که دیگری الهی و دیگری انسانی را حرمت بگذارند. لاشون هاراع یا "زبان شر" از راه مسموم کردن زبان، اساس دورنمای یهودیت را ویران می کند. ما وقتی سخن مسموم درباره دیگران به زبان می آوریم، آنان را تحقیر می کنیم و خودمان را پست می سازیم و به زیست بوم آزادی آسیب وارد می کنیم.

از این رو است که حکیمان تلمودی با لاشون هاراع این اندازه جدی برخورد کرده، آنرا بزرگترین گناهان دانسته، بر آنند که کل پدیده تزارت یا برص در بدن انسان ها، بافت پارچه ها و دیوار خانه ها روشی بود که خدا برای افشاء و داغ ننگ نهادن بر این گناه به کار می برد. تورات می خواهد بگوید که هرگز به زبان، کم بها ندهید. زیرا از راه زبان بود که خداوند دنیای طبیعت را آفرید و از راه زبان است که ما دنیای اجتماع خود را می آفرینیم. زبان به اندازه هوایی که تنفس می کنیم حیاتی است.

شبات شالوم

Jonathan Sacks

The Office of Rabbi Sacks

برای دیگر آثار ربای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر ربای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian